

بازخوانی مشارکت مردم در بازسازی زلزله ۱۳۸۲ بم

حسین ظفری * / حسن دارابی **

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۹۰/۱۱/۰۹

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۳۹۱/۰۴/۱۴

چکیده

زلزله سال ۱۳۸۲ بم از جمله سوانح مخربی است که باعث کشته و مجروح شدن قریب به ۵۰ هزار نفر و ویران شدن کامل نزدیک به ۸۰ درصد مناطق شهری و روستایی بم و بروات شد. پس از زلزله، بازسازی بم در دستور کار مسئولان قرار گرفت. تلفات قابل توجه، گستردگی خسارات وارده، پیچیدگی و هزینه فراوان بازسازی منطقه و عوامل متعدد دیگر سبب شد تا حضور و مشارکت مردم (آسیب‌دیدگان) در بازسازی بم امری مهم و قابل تأمل به‌شمار آید. در مقاله حاضر به بررسی مصادیق و چگونگی مشارکت مردم در بازسازی پس از زلزله ۱۳۸۲ بم پرداخته شده است. در همین راستا، این تحقیق با استفاده از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای (جهت تدوین چارچوب مفهومی) و مطالعات میدانی (با حضور در شهر زلزله‌زده بم و مصاحبه با مردم و عوامل و نیز مدیران ارشد بازسازی)، انجام گرفته است. از آنجا که تحقیق حاضر ماهیتی توصیفی - تحلیلی دارد، بنابراین مبتنی بر شیوه‌ای کمی و کیفی و با استفاده از پیمایش به سرانجام رسیده است. در این مطالعه، در روش کمی جهت تعیین میزان قابلیت اعتماد و پایایی پیمایش، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. مقدار آلفای کل پرسشنامه برابر با ۰/۹۸ است. جهت تعیین روایی پرسش نامه، از روش اعتبار صوری و با مشاوره افراد ذیصلاح که در این زمینه آگاهی داشته‌اند، استفاده گردیده است. نتیجه بررسی نشان می‌دهد که مدیریت بازسازی با ارائه مدلی مبتنی بر حفظ هویت معماری و استحکام بم با محور قرار دادن مشارکت مردم، تلاش نمود تا مدیریت کلان بازسازی را به نحوه نسبتاً مناسبی انجام دهد. عمده‌ترین محورهای مشارکت در آوار برداری، طراحی نقشه واحدهای مسکونی و ارائه مصالح ساختمانی تجلی یافت. در این میان، در آواربرداری و تهیه نقشه‌های ساختمانی بیشترین مشارکت صورت گرفته است و در سایر موارد، میزان مشارکت نسبتاً متعادل بوده است. اگرچه مدل بازسازی بم بستر مشارکت بسیار فعال‌تری نسبت به سایر بازسازیهای قبلی فراهم ساخت اما با مشارکت به معنای واقعی فاصله داشت. دستیابی به این آرمان نیازمند ظرفیت سازی و توانمند سازی تمامی بازیگران عرصه بازسازی است.

واژگان کلیدی: مشارکت، مدیریت بازسازی، سیاست‌های بازسازی، بازسازی بم.

* دانشجوی دوره دکتری آینده‌پژوهی دانشگاه تهران و عضو باشگاه پژوهشگران جوان واحد تهران جنوب.

hosseinzafari@gmail.com

** استادیار گروه مهندسی طراحی محیط، دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران.

- این مقاله برگرفته از تحقیقی با عنوان " بررسی مدیریت بازسازی فیزیکی با نگرشی ویژه بر مشارکت مردم (مطالعه موردی بم) " می‌باشد.

مقدمه

سؤالات تحقیق

- نقش مردم و دولت در بازسازی بم چگونه تعریف شده است؟
- مهم‌ترین مصادیق مشارکت مردم در بازسازی پس از زلزله بم چه بوده‌اند؟
- مشارکت مردم در مهم‌ترین مصادیق تعیین شده چگونه بوده است؟

تجربه نشان داده است که هرگاه از پتانسیل عظیم مشارکت مردمی در بازسازی استفاده شده، رضایت‌مندی مردم بیشتر و به تبع آن بازسازی موفق‌تر بوده است. این در حالی است تبدیل مشارکت بالقوه آسیب‌دیدگان به مشارکت بالفعل وابسته به فاکتورهای متعدد و فراوانی است که از آن جمله می‌توان به فرهنگ جامعه آسیب‌دیده، تجربه‌های قبلی مشارکت، توانمندی آسیب‌دیدگان و بسترسازی‌های لازم توسط دولت اشاره نمود. بنابراین با توجه به پارامترهای متعدد و فراوان موجود در این موضوع، تحلیل میزان مشارکت آسیب‌دیدگان به سادگی امکان‌پذیر نیست. از سوی دیگر اگر تعامل فی مابین دولت و مردم به خوبی تعریف گردد، سبب افزایش کیفیت مشارکت آسیب‌دیدگان در مراحل مختلف بازسازی خواهد شد.

در بازسازی‌های گذشته دولت تلاش می‌نمود امکانات لازم را برای مردم فراهم نماید تا مردم خودشان بازسازی را انجام دهند، به عبارت دیگر سیاست کلان "توانمندسازی مردم در بازسازی" بود. اما در بم علاوه بر این پارامتر، هویت تاریخی و فرهنگی - معماری چند هزار ساله آن نیز مد نظر قرار گرفته بود. لذا لازم بود مدل خاصی طراحی شود و سه اصل مهم حفظ هویت تاریخی و معماری، استحکام در ساخت و ساز و مشارکت مردمی مورد توجه قرار گیرد که تلفیق آن‌ها کار بسیار مشکل،

حساس و قابل توجهی بود. بر همین اساس دولت تصمیم گرفت که علاوه بر اینکه مشارکت مردم در ساخت و ساز را جلب نماید، در عین حال با استفاده از حضور اساتید و معماران برجسته کشور این مشارکت را در جهت ساخت شهری با هویت و تاریخی هدایت و هماهنگ نماید. با این تصمیم مردم کارفرمای ساخت خانه‌های خود و مجریان اصلی بازسازی شناخته می‌شدند و دولت نیز موظف بود (توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی) به‌عنوان حمایت و هدایت مردم در جهت توانمندسازی آنان برای بازسازی، اقدامات اساسی را انجام دهد. در این روش نقش دولت زمانی پررنگ می‌شد که مردم توانایی انجام کار را نداشته و نیاز به کمک داشته باشند. به همین دلیل نقش مردم در بازسازی بم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. فلذا مقاله حاضر قصد دارد تا با بررسی نحوه مشارکت مردم، مصایق مشارکت را در این بازسازی ارائه نماید. این موضوع از آن جهت دارای اهمیت است که تصمیمات و اقدامات (مثبت و منفی) مشاهده شده می‌تواند در بازسازی‌های آتی مورد استفاده قرار گیرد.

چارچوب مفهومی

وقوع سوانح طبیعی و ورود آسیب‌های جدی به سکونتگاهها و گاه تلفات انسانی و سایر عوامل موجب می‌شود تا طیف مختلفی از گروه‌ها، افراد، سازمانهای مردم نهاد، سازمانهای بین‌المللی و دولت وارد عرصه شده و پس از طی مرحله بحران، اقدام به بازسازی ناحیه آسیب دیده نمایند. در این شرایط تمامی زیرساختهای حیات انسانی دچار دگرگونی شده و نیازمند بازسازی است. از این رو می‌توان گفت که بازسازی به مفهوم فعال کردن تمامی خدمات، ترمیم و دوباره‌سازی ساختارهای زیربنایی و سازه‌های تخریب شده، احیای اقتصادی و بازگشت فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی است (Davis

برخی از اعضای خانوار، تعطیل دایم یا موقت فعالیت‌های جامعه و یا کاهش بلافاصله فعالیت‌ها. بر این اساس پس از زلزله و آن هم متناسب با شدت زلزله و ویژگی‌های منطقه و مقاومت ساختمانهای مربوط چهار بعد که دچار آسیب می‌شوند: ابعاد فیزیکی، انسانی، اجتماعی و اقتصادی است. ترمیم و جبران خسارت و آسیب‌های وارده عمدتاً از عهده خانوار آسیب‌دیده بیرون است و از همان ابتدا کمک خارج از خانوار را می‌طلبد. (طالب، ۱۳۷۳).

به‌طور متداول در ایران به بازسازی فیزیکی بیشتر اهمیت داده می‌شود در حالی که تجربه نشان داده است که در کنار بازسازی فیزیکی، همزمان باید به بازسازی اجتماعی و اقتصادی نیز اهمیت داده شود. بدیهی است که این بازسازی در خلا صورت نگرفته و در فضایی صورت می‌گیرد که برآیندی از فرایندهای طبیعی، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و کالبدی است که به منطقه آسیب دیده ویژگیهای منحصر به فرد مکانی و فضایی می‌بخشد. از این‌رو هرگونه مداخله در این عرصه مستلزم حاکمیت مدیریت فضا و برخورداری از درک مناسب از فضا است که مردم با آن عجین بوده آن‌را پذیرفته و از آن دفاع می‌کنند. علاوه بر آن ضرورت بازسازی اجتماعی و اقتصادی؛ هزینه‌های بالای بازسازی، لزوم دستیابی به موفقیت در بازسازی و پذیرش عملکرد دولت توسط مردم؛ ورود عنصری و فاکتوری کلیدی را به عرصه بازسازی الزامی می‌سازد. این در حالی است که دولت‌ها در کشورهای خاورمیانه علاقه چندانی به مشارکت مردم در بازسازی، به‌ویژه در مراحل تصمیم‌گیری و اجرا نشان نمی‌دهند. مهم‌ترین دلایلی که دولت‌های خاورمیانه برای جلوگیری از مشارکت عنوان می‌کنند عبارتند از:

- عدم تمایل حزب یا گروه حاکم برای تقسیم قدرت با مردم به بهانه مسائل امنیتی، عدم اطمینان به مردم و...

(Aysan, 1993 &). به همین دلیل نیز برنامه‌های بازسازی باید در چارچوب برنامه‌های درازمدت توسعه در نظر گرفته و ادغام شوند و از ابعاد مختلفی چون بازسازی اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست‌محیطی برخوردار باشند (ظفری، ۱۳۸۶). در این فرایند سه فرضیه متفاوت مطرح می‌شود که عبارتند از:

- الف) این دگرگونی فرصتی برای بازسازی و توسعه همه جانبه است؛
 - ب) همه هدف بازسازی، بازگشت به حالت قبل است؛
 - ج) بازسازی تلاش می‌نماید تا با نیم‌نگاهی به مسائل توسعه، فعالیت خود را به انجام رساند.
- همه این تفکرات بر مداخله در جامعه آسیب دیده تأکید می‌کند به نحوی که تداوم حیات در شرایط عادی را امکان پذیر سازد. بدیهی است دولت و مردم محلی بازیگران کلیدی عرصه مداخله را شکل می‌دهند، اگرچه نباید نهادهای مردمی، سازمان‌های بین‌المللی، گروه‌ها و گاه افراد خارج از جامعه آسیب دیده را فراموش کرد اما با توجه به نقش بسیار پر رنگ دولت و آسیب‌دیدگان در بازسازی‌های داخلی به این موضوع پرداخته می‌شود. در عین حال این اصل نیز پذیرفته است که کاربران نهایی این بازسازی را آسیب‌دیدگان تشکیل خواهند داد. در صورتی که محصول نهایی مداخله؛ متناسب با خواست، نیاز و فرهنگ مردم نباشد آنان تمایلی برای استفاده از آن نخواهند داشت. به همین دلیل بر اساس نقش بازیگران عرصه بازسازی، سه شکل از بازسازی قابل شناسایی است:
- بازسازی توسط دولت و بدون مشارکت مردم؛
 - بازسازی توسط مردم و بدون مشارکت دولت؛
 - بازسازی مشارکتی؛ (مطوف، ۱۳۷۹).
- بروز زلزله در کشورهای در حال توسعه نظیر ایران موجب بروز پدیده‌های زیر می‌شود: تخریب ساختمان‌های مسکونی، فوت و مصدوم شدن همه یا

- ضرورت تسریع در امداد و بازسازی در مواقع اضطراری از طریق تمرکز قدرت و تصمیم‌گیری؛
 - مشارکت دادن مردم (به عقیده این دولت‌ها) باعث تأخیر در تصمیم‌گیری و اجرا می‌شود؛
 - ایمان به قدرت تمرکز که با تجمع توان‌ها، بتواند کار عظیم بازسازی را بر عهده بگیرد؛
 - اعتقاد بسیاری از مسئولان و برخی متخصصان به توان بالای خود و ناتوان بودن دیگران در تصمیم‌گیری و اجرا؛
 - منافع سیاسی و شخصی نهفته‌ای که در پس اجرای برنامه‌های بازسازی بروز می‌کند؛
 - اعتقاد عمیق به مسئولیت گسترده دولت در هنگام بروز حوادث؛
 - حاکمیت تفکر فنی و مهندسی و تلقی بازسازی به‌عنوان یک امر کاملاً فنی؛
 - منافع حاصل از ملی کردن موضوع و حضور نیروهای غیر بومی در بازسازی؛
 - عدم پذیرش مشارکت مردمی در دردهای مختلف سازمانی و ...
 - تعریف نامناسب دولت از مشارکت و تلقی مشارکت به‌عنوان مانع انجام کار و مانند آن (مطوف، ۱۳۷۹: ۳۳).
- این درحالی است که مشارکت امروزه از حقوق اساسی شهروندی محسوب شده و شکل‌گیری مشارکت به موضوعاتی مانند دموکراسی باز می‌گردد. مشارکت در برنامه‌ریزی تحت تأثیر مدل برنامه‌ریزی و مداخله تدافعی پل دیویس شکل گرفت. بسیاری از طراحان و برنامه‌ریزان متخصص اقدامات سنتی را رد کرده از مسائلی همچون توسعه مجدد شهری؛ حقوق شهروندان فقیر و توسعه روش‌های مشارکت شهروندی دفاع کردند و از دهه ۱۹۶۰ افراد خارج از چرخه برنامه‌ریزی مجاز

به تصمیم‌گیری درباره برنامه‌ها و بار مالی آن شدند و شهروندان حق مشارکت در فرایندهای برنامه‌ریزی و اجرا را یافتند (Sanoff, 2007, 213-214). در سالهای بعد گسترش کاربرد مشارکت منجر به ارائه تعاریف متفاوتی از مشارکت با دو برداشت کلی مشارکت به‌عنوان ابزار و هدف شد. در تلقی اول، مشارکت به‌عنوان ابزاری است برای رشد آگاهی‌های اجتماعی و تشویق پیشگامی در فعالیتهای محلی به نحوی که ساختار تصمیم‌گیری محلی باید مداخله بومیان در موضوعاتی که مستقیماً با نیازهای آنان مرتبط است را تشویق و تسهیل نماید (United Nation, 1990:196; Bass, 1995: 22). برداشت دوم مشارکت را به‌عنوان هدف تلقی و آن را تعریف می‌کند. (Chambers,1994; Story,1999).

در این برداشت مشارکت به‌عنوان مجموعه روشها و فرایندها، نگرشها و فعالیتهایی اطلاق می‌گردد که منجر به افزایش تواناییهای مردم شده و در کنترل عوامل تأثیر گذار بر محیط زندگی؛ آنها را یاری می‌نماید. انجمن برنامه‌ریزی امریکا قابلیت‌های مشارکت را در پنج جمله زیر خلاصه کرده است:

- هیچ راه حل بهتری برای مشکلات طراحی و برنامه‌ریزی وجود ندارد.
 - تصمیمات متخصصین الزاماً بهتر از تصمیمات غیر متخصصین نیست.
 - وظیفه برنامه‌ریزی می‌تواند شفاف شود.
 - تمام افراد و گروههای ذینفع می‌بایست در فضای آزاد گردهم آیند.
 - فرایندها تداوم داشته و دائماً در حال تغییرند (APA, 2006: 47).
- بدیهی است نتایج مثبت مشارکت باعث شده است تا به‌کارگیری آن در بازسازی نیز ضرورت یابد. به‌کارگیری مشارکت فرصت‌های مناسبی برای استفاده از امکانات و

اما واقعیت این است که این شکل از مشارکت ایده آلی است و با توجه به شرایط بحرانی، نظام فکری حاکم بر بازسازی و همچنین حاکمیت مدیریت فنی و برنامه‌ریزی بالا به پایین اجازه بروز و ظهور چنین فرایندی را نمی‌دهد.

لذا در هر یک از مراحل مختلف فوق نیز می‌توان جهت مشارکت در بازسازی، یکسری از وظایف و کارکردهایی را متصور شد. در گام نخست یا همان مرحله تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری می‌توان از برگزاری و ایجاد نشستها و یا جلسات و سمینارهایی بین مردم و مسئولین محلی و منطقه‌ای به منظور جلب و جذب دیدگاهها و نظرات مردم محلی به عنوان مصادیق عملی مشارکت مردم در روند بازسازی مناطق زلزله‌زده نام برد. در واقع زمانی مشارکت مردم در روند بازسازی، نمود عملی و واقعی به خود می‌گیرد که مردم با مسائل و مشکلات آشنا شده و از آن اطلاع یابند. در مرحله اجرا نیز مشارکت مردم می‌تواند در مراحل مختلف و به صورت گوناگون نمایان شود. بدین گونه که در مرحله بازسازی از مهم‌ترین مصادیق مشارکت، همکاری مردم با دست‌اندرکاران، مدیران بازسازی (مانند مسئولان و دست‌اندرکاران ستادهای معین بازسازی) در مناطق زلزله‌زده و ... می‌باشد.

در آخرین مرحله، مردم در فرایند نظارت و ارزیابی با مسئولین و مدیران بازسازی تعامل و همکاری مستقیم داشته و می‌توانند به بازنگری دقیق و عمیق مسئولین و مدیران بازسازی (همچون مسئولان ستادهای معین بازسازی) کمک شایان و قابل توجهی نمایند. مصادیق این نوع مشارکت مردم می‌تواند به صورت تعامل و همکاری مردم در پاسخگویی به سؤالات ارزیابان بازسازی، نمود داشته باشد (ویسی، ۱۳۸۵).

قابلیتهای مکانی و مردم برای شکل دهی به فضای پایدارتر را فراهم می‌سازد.

اما فرایند مشارکت مردم در بازسازی امری است که نیاز به زمان کافی دارد و به سرعت به وقوع نمی‌پیوندد. از طرفی مسئولان خواهان بازسازی و تحویل خانه‌های ساخته شده در حداقل زمان ممکن هستند؛ به همین دلیل در اکثر موارد پتانسیل‌های مردمی نادیده گرفته می‌شود. تجربه زلزله‌های قبلی نشان داده است که بازسازی با نادیده گرفتن مشارکت مردم، اگرچه ممکن است در مراحل اولیه کار ظاهراً موفقیت‌آمیز به نظر آید؛ اما پس از مدتی بحث عدم رضایت‌مندی آسیب‌دیدگان از خانه‌هایشان، بی‌تفاوتی مردم در ادامه بازسازی، وجود نیروهای مخالف در بازسازی و مشکلاتی از این قبیل نمایان می‌گردد. از طرف دیگر طولانی شدن بیش از حد مدت زمان لازم جهت انجام عملیات بازسازی و بازتوانی باعث می‌گردد که درجه آسیب‌پذیری منطقه بحران‌زده نسبت به بحرانهای محتمل آتی افزایش یابد و یا طولانی شدن این برنامه و نیز وقوع یک بحران عمده دیگر در کشور، باعث می‌شود منابع و اعتبارات از برنامه‌های بازسازی به بخش پاسخگویی و امداد و نجات بحران تازه منتقل گردد و حتی باعث گردد که بازسازی کامل منطقه آسیب‌دیده هیچ‌گاه کامل نگردد و در نتیجه توسعه آن منطقه به شدت تحت تأثیر قرار گیرد (فلاحی، ۱۳۸۲: ۵۴). ویسی در این خصوص بیان نموده است که مشارکت ایده‌آل در بازسازی مسکن، مشارکتی است که در سه مرحله ذیل به صورت کاملاً مناسب اجرا شود و عبارت است از:

- مرحله تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری (برنامه‌ریزی)
- مرحله اجرا
- مرحله نظارت، ارزیابی و بازنگری در برنامه‌ها

مشارکت به معنای علمی خود به عنوان ابزار و هدف قابل بررسی است که در هر یک، پیامدهای متفاوتی را به دنبال دارد. ماهیت پیامدهای مشارکت به عنوان ابزار را می توان به شرح زیر برشمرد: کاهش هزینه، پایداری پروژه ها، افزایش کارایی، افزایش بهره وری، بهبود طراحی پروژه ها، توزیع مناسب تر منابع، تحرک بخشی به منابع، افزایش پذیرش پروژه ها، تضمین موفقیت برنامه ها، تسهیم هزینه ها، کسب اطلاعات لازم از محل، ارزیابی متناسب علت ها و نیازها، برنامه ریزی هماهنگ با واقعیت های محلی، انتخاب گزینه های متناسب با شرایط و نیازهای مردم و ایجاد احساس مالکیت (Scharma, 2000: 178; Bamberger, 1988, 2& 6).

در شکل مشارکت به عنوان هدف، انتظارات از مشارکت و پیامدهای آن محدودتر ولی اساسی تر است. این پیامدها را می توان به شرح زیر تفکیک کرد: تعدیل توزیع قدرت در جامعه، ایجاد قدرت کنترل منابع، تحرک بخشی به جامعه و اجتماعات، بسترسازی برای استقرار در نظام برنامه ریزی طراحی دموکراتیک، بستر سازی تغییر ساختار در نظام تصمیم گیری، سهم کردن مردم در منابع کمیاب، ایجاد فرصت تحول برای گروه های فرو دست، نهادسازی، تمرکززدایی، آموزش، ایجاد هم پیمانی بر سر استراتژیها، دستیابی به اهداف و شکستن چارچوب سنتی و ممانعت از هزینه های قضایی (Bass, 1995: 22). علاوه بر این پیامدها، نکاتی دیگری نیز وجود دارد که بیشتر قابلیت های فعالیت هایی مشارکتی را روشن می سازد: اطمینان از برنامه ریزی و مدیریت مؤثر آینده حمایت مردم از آن (Meeke & et al, 1999: 13)، کاهش تضادها، مدیریت کارا و منعطف تر، افزایش مشروعیت، به کارگیری دانش ویژه مکانی (Stenseke, 2009: 215)، تعریف مناسب مشکلات در طراحی، پذیرش منابع مختلف دانش و اشکال مختلف دانش، پذیرش شرایط

انحصاری (Stenseke, 2009: 216)، ایجاد سرمایه اجتماعی، به تقویت جامعه مدنی، بهبود توانایی جوامع محلی برای حل مشکلات (Santos, et al, 2006: 101). از سوی دیگر مهم ترین دام مشارکت محلی عبارت است از این فرض متعصبانه که اجتماعات محلی کوچک دارای جمعیت همگن هستند. غفلت از روابط قدرت بین مردم محلی و افراد و تمرکز بر چگونگی تسهیل فرایند تعامل، منجر به غفلت از فاکتورهای اصلی و پویایی قانونی همچون تغییرات جمعیتی، توسعه فنی و بازار می گردد. همچنین اجرای بی احتیاط مشارکت محلی ممکن است منجر به ایجاد تضاد در اجتماع محلی با اثرات بلند مدت بر روابط و ظرفیت مشارکت محلی شود (Stenseke, 2009: 215). از دیگر پیامدها می توان به موارد زیر اشاره کرد: احساس بیهودگی در صورت بی توجهی به تصمیمات، از دست دادن مشروعیت در مقابل تصمیمات ناخواسته، خطر تحت تأثیر قرار گرفتن تصمیمات توسط گروه های مخالف، ایجاد تعارض و نگرانی و امکان اخذ تصمیمات نادرست که از نظر سیاسی غیر قابل اغماض است اشاره کرد (Santos & et al, 2006: 102). بالاخره افراد آکادمیک عقیده دارند: مشارکت در عمل و در هیچ کجا به شکل فرایند پایین به بالا و فرایندی باز که به صورت عام از آن دفاع می شود، وجود ندارد. مشارکت ایده آل و تئوریک اغلب فاقد کارایی است و به عنوان ابزاری برای آزادی و توزیع قدرت در مفهوم پیشنهادی آن وجود ندارد (Christians, 2006: 2-3). در حالی که مشارکت عبارت است از راه حلی برای پاسخگویی به مجموعه نارسایی ها در تصمیم سازیهای دولتهای محلی (Beebejaun, 2006: 3). به هر حال هر فردی بسته به دیدگاه خویش و تجربیات عملی که در زندگی دارد، تصور خاصی از پیامدهای مشارکت خواهد داشت (ظفری، ویسی؛ ۱۳۹۰). با وجود تمامی تعارضات و

در ارتباط با بخش (الف) تعداد خانوارهای مورد بررسی به‌عنوان جامعه آماری بالغ بر ۲۵۰۰۰ نفر بوده‌اند که با استفاده از روش کوکران، تعداد ۲۰۰ نفر به‌عنوان حجم نمونه تحقیق حاضر در قسمت جامعه آماری مردم شهرستان بم با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده به نسبت ستادهای معین و روش نمونه‌گیری تصادفی ساده (در درون هر یک از ستادهای معین شهری) انتخاب شده‌اند. از این رو با احتساب ارقام مطالعه حاضر (تعداد خانوارهای شهری جذب شده جهت استفاده از تسهیلات احداثی ۲۵۴۵۶ خانوار بوده است. (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶) و با توجه به روش فوق، حجم نمونه شامل ۱۹۴ نفر خواهد بود. اگرچه حجم نمونه ۱۹۴ نفر است، ولی به دلیل افزایش سطح اطمینان نتایج و کاهش خطای اندازه‌گیری، این تعداد نمونه به ۲۰۰ مورد افزایش یافته است. در این مطالعه، جهت تعیین میزان قابلیت اعتماد و پایایی، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. مقدار آلفای کل پرسشنامه برابر با ۰/۹۸ است. جهت تعیین روایی پرسش‌نامه، از روش اعتبار صوری و مشاوره با افراد ذیصلاح که در این زمینه آگاهی داشته‌اند، استفاده گردیده است. در ادامه پس از تأیید پرسشنامه توسط صاحب نظران تحقیق انجام شده است.

در زمینه روش‌های کیفی، در مطالعه حاضر از تکنیک‌های زیر در هر سه گروه جامعه آماری (مردم، مسئولان و مدیران و صاحب‌نظران و اساتید) استفاده شده است:

- انجام مطالعات تکمیلی کتابخانه‌ای و اسنادی در زمینه «مدیریت بازسازی با تأکید بر مشارکت مردمی در بازسازی مناطق زلزله‌زده»؛
- مشاهده مشارکتی از مناطق زلزله‌زده شهرستان بم به‌صورت متناوب و در طول دوره بازسازی؛

مسائل منفی حاصل از مشارکت، به جرأت می‌توان گفت که بدون مشارکت و در نظر گرفتن نقش مردم در بازسازی هیچ‌گونه سیاست‌گذاری از سوی دولت، کارایی لازم خود را نخواهد داشت. در فرایند بازسازی مناطق زلزله‌زده، نمی‌توان از نقش و اهمیت مردم غافل ماند. زیرا فرایند بازسازی برای مردم و به‌خاطر مردم انجام می‌گیرد. بنابراین کنشگران اصلی در این روند، مردم بوده و بدون تعامل و همکاری مستقیم مردم نمی‌توان انتظار داشت که رضایت آنان جلب شود و فرایند بازسازی مناطق زلزله‌زده، از سرعت و عمق لازم برخوردار باشد (ظفری و ویسی، ۱۳۸۷). تحقیقات نشان داده است هرچه سطح مشارکت مردم در فرایند بازسازی کمتر باشد، میزان رضایتمندی آنان نیز کمتر است (Fallahi, 2007). اما این امر هم منوط به آن است که مدیران بازسازی و تصمیم‌سازان این عرصه درکی عمیق، واقعی و اصولی از مشارکت داشته باشند.

مواد و روشها

این تحقیق براساس روش تحقیق ترکیبی صورت گرفته است که در آن به‌صورت توأمان از روش‌های کمی و کیفی استفاده شده است. براین اساس جامعه آماری پژوهش حاضر مشتمل بر سه دسته ذیل است:

(الف) مردم و آسیب‌دیدگان شهرستان بم،
 (ب) مسئولان و مدیران بازسازی،
 (ج) صاحب‌نظران و اساتید دانشگاهی.

در بخش (الف) از مصاحبه موردی و گروهی، نظرخواهی و نیز تکنیک گروه متمرکز استفاده شده است. علاوه بر روش‌های مذکور از مشاهده مشارکتی و نیز از روش کمی (مبتنی بر پرسشنامه) استفاده شده است. در مورد قسمت (ب) و (ج) از مصاحبه موردی و گروهی، نظرخواهی و نیز تکنیک گروه متمرکز استفاده شده است.

- مصاحبه موردی و یا گروهی با مردم و مدیران و دست‌اندرکاران بازسازی اساتید دانشگاه و صاحب‌نظران، افراد خبره محلی در شهر بم؛
- استفاده از تکنیک گروه متمرکز که در آن طی جلسات متعدد با افراد ذیربط، سؤالات مربوطه به بحث گذاشته و در نهایت نتیجه‌گیری می‌شود.
- مستندسازی اطلاعات: در مراحل از این تحقیق به دلیل وجود نقص‌های اطلاعاتی اقدام به مستندسازی اطلاعات موردی شده است.

معرفی بم و زلزله سال ۱۳۸۲

بم در جنوب شرقی استان کرمان واقع شده که مساحتی معادل ۱۹۳۷۴ کیلومتر مربع دارد. جمعیت این شهر در سال ۱۳۷۵ (هفت سال قبل از زلزله) معادل ۷۰۰۰۰ نفر بود. در زمان وقوع زلزله (سال ۱۳۸۲) جمعیت بم و نواحی روستایی پیرامون آن به ۱۴۲۳۷۶ نفر می‌رسید. این شهر در سحرگاه روز جمعه ۵ دی ۱۳۸۲ برابر با ۲۶ دسامبر ۲۰۰۳ ساعت ۵ و ۲۶ دقیقه و ۵۷ ثانیه زلزله‌ای ویرانگر به عمق کانونی ۷ کیلومتر از سطح زمین و بزرگی $M_w = 6.3$ در مقیاس ریشتر را تجربه نمود که باعث تلفات و خسارات مالی و جانی جبران‌ناپذیری گردید (گزارش دبیرخانه ستاد راهبری و سیاست‌گذاری بم: ۱۳۸۳). بروز این سانحه منجر به کشته شدن بیش از ۳۰۰۰۰ نفر و زخمی شدن بیش از ۲۵۰۰۰ نفر گردید. قریب به ۸۰ درصد شهر بم تخریب شده و در مجموع حدود ۳۹۳۶۱ واحد مسکونی و تجاری شهر در بم و ۳۲۴۰۰ واحد روستایی در ۲۵۰ روستا آسیب دیده و ۷۰۰۰۰ نفر بی‌خانمان شدند (Omidvar & Zafari, 2009). براین اساس بخش عمده فعالیت بازسازی به بازسازی واحدهای مسکونی و تجاری معطوف شده بود. به این ترتیب که در کل منطقه آسیب دیده بم و بروات حدود ۷۰۰۳۶ واحد باید بازسازی می‌شد که ۴۰۰۷۲

واحد در منطقه شهری و تجاری و ۲۹۰۳۶ واحد روستایی بود (Omidvar & Zafari, 2011). به همین دلیل با توجه به ابعاد بازسازی مشارکت در بازسازی می‌توانست نقش اساسی ایفا کند.

یافته‌ها و بحث

بر مبنای چارچوب کلی بازسازی بم قابلیت مشارکت در کلیه ابعاد مدیریت بازسازی اعم از مدیریت ساخت واحدهای مسکونی، سیاستهای مالی، تهیه و تأمین مصالح ساختمانی مورد نیاز بازسازی، سیاست فنی و طراحی و حتی نظام اداری بازسازی وجود داشته و قابل تحلیل است. ضمن اینکه در چارچوب مشارکت، این مردم هستند که نقش اصلی را در این سیاستها بازی می‌کنند و دولت پشتیبانی لازم و بسترسازی مناسب را برای بالفعل نمودن پتانسیل مشارکت مردمی می‌نماید. بر این اساس تعامل و نقش دولت و مردم در برنامه بازسازی می‌بایست کاملاً روشن گردد تا درصد موفقیت برنامه بازسازی به حداکثر میزان خود برسد.

۱. نقش دولت و مردم در بازسازی بم.



در این روش نقش دولت زمانی پر رنگ می‌شد که مردم توانایی انجام کار را نداشته و نیاز به کمک دولت داشته باشند. به‌طور خلاصه تعامل بین دولت و مردم در شکل (ت ۱) ارائه شده است. بنابراین در این مقاله به

در مورد تشکیل و پیگیری پرونده بازسازی واحدهای مسکونی خود داشته‌اند.

از سوی دیگر کمتر از یک سوم (۲۰/۵ درصد) از آنان در این زمینه کمتر مشارکت کرده‌اند ضمن آنکه بیشتر پاسخگویان مشارکت خود را در حد متوسط دانسته‌اند. در خصوص آواربرداری واحدهای مسکونی نیز باید گفت که حدود نیمی از پاسخگویان (۴۹ درصد برابر با ۹۸ نفر) در آواربرداری واحدهای مسکونی خود و بازیافت مصالح باقیمانده مشارکت بالایی داشته‌اند.

در این زمینه بر اساس برنامه مصوب بازسازی بم، نقش دولت و مردم در آواربرداری واحدهای مسکونی آسیب‌دیده اینگونه تعریف شده است که "دولت می‌بایست با فراهم نمودن ماشین آلات مورد نیاز، به آسیب‌دیدگان کمک نماید و از طرفی بازیافت مصالح بر جای مانده و نیز مدیریت آواربرداری بر عهده مردم می‌باشد" (برنامه بازسازی بم و بروات، ۱۳۸۲). بر همین اساس به استناد مصاحبه‌های صورت گرفته و داده‌های کیفی، دولت جهت تشویق مردم به مشارکت در آواربرداری و بازیافت مصالح، تصمیم گرفت تا مبلغ ۵۰۰ هزار ریال به هر خانوار برای آواربرداری واحد خویش از محل کمک بلاعوض، پرداخت نماید. به نظر می‌رسد این تصمیم به دلایل ذیل اتخاذ گردید:

۲. میزان مشارکت مردم در مراحل مختلف آواربرداری تا مراحل مختلف ساخت و ساز.

بررسی سیاستهای مدیریت ساخت واحدهای مسکونی، مالی، تهیه و تأمین مصالح و سیاستهای فنی و طراحی که نمودی از تعاملات بین مردم و دولت را به نمایش می‌گذارد، پرداخته خواهد شد. بر این اساس آسیب‌دیدگان در بخش سیاست مدیریت ساخت واحدهای مسکونی (به معنای پیگیری ساخت واحدهای مسکونی آسیب‌دیده‌شان و نه مدیریت کلان بازسازی) می‌بایست پیگیر کلیه امور (مواردی که توان انجام آن را داشته باشند) از تشکیل پرونده بازسازی تا اتمام واحد مسکونی را در تعامل با دولت و بالعکس باشند. در این خصوص مصادیق مشارکت جهت تعامل بین مردم و دولت در بخش مدیریت ساخت واحدهای مسکونی در جدول (ت ۲) آمده است.

این جدول نشان می‌دهد که نقش مردم انتخاب، همفکری و پیگیری در بخشهای اشاره شده بوده و نقش دولت بسترسازی و ایجاد شرایط لازم به‌منظور انتخاب بهینه توسط مردم. جدول (ت ۲) که با استفاده از داده‌های کمی گرد آوری شده؛ میزان مشارکت مردم در مراحل مختلف آواربرداری تا مراحل مختلف ساخت و ساز را نشان می‌دهد.

بر مبنای این داده‌ها بیش از یک سوم (۳۶/۵ درصد برابر با ۷۳ نفر) از پاسخگویان، مشارکت مناسب و بالایی

کم		متوسط		زیاد		مصادیق مشارکت
		درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۲۰٫۵	۴۱	۴۳	۸۶	۳۶٫۵	۷۳	مشارکت در تشکیل و پیگیری پرونده بازسازی
۱۶٫۵	۳۳	۳۴٫۵	۶۹	۴۹	۹۸	مشارکت در آواربرداری واحدهای مسکونی
۲۵	۵۰	۳۰	۶۰	۴۵	۹۰	مشارکت در انتخاب طرح و نقشه واحدهای مسکونی
۲۲	۴۴	۳۳٫۵	۶۷	۴۴٫۵	۸۹	همفکری در انتخاب پیمانکار
۹٫۵	۱۹	۵۷	۱۱۴	۳۳٫۵	۶۷	همفکری و مشارکت در انتخاب مصالح
۱۹	۳۸	۴۴٫۵	۸۹	۳۶٫۵	۷۳	مشارکت در مراحل مختلف ساخت و ساز

- به دلیل شرایط نامناسب روحی و روانی مردم (با توجه به از دست دادن اعضای خانواده خود)، مشارکت در این عملیات می‌توانست باعث بازتوانی روحی و روانی آنان شود.

- بازیافت مصالح و بهره‌گیری از مصالح قابل بازیافت؛

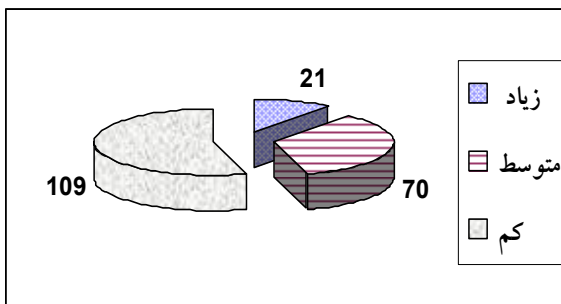
- استفاده از مشارکت مردم در عملیات آواربرداری؛
- حضور مالک در زمان آواربرداری و نیز بیرون آوردن اجناس و وسایل قابل استفاده خود از زیر آوار، باعث کاهش تنش‌های حقوقی می‌گردید. از سوی دیگر دولت با رویکرد توانمندسازی آسیب‌دیدگان در بازسازی بم اقدام نموده است. از مهم‌ترین جنبه‌های این موضوع، سیاست‌های مالی بازسازی است که در آن دولت با پرداخت کمک بلاعوض و وام بانکی با کارمزد کم، سعی در تقویت بنیه مالی مردم دارد.

در این زمینه بنابر نظر مسئولان و مقامات دولتی (به استناد مصاحبه‌ها و داده‌های کسب شده در گروه‌های متمرکز) به‌رغم پرداخت مناسب و به موقع وام‌های مورد نیاز و کمک‌های بلاعوض از سوی دولت، مردم معتقد بودند که میزان وام‌های دریافتی کافی نبوده است. به‌طوری‌که نتایج کسب شده نشان می‌دهد که بیش از نیمی (۵۴٫۴ درصد برابر با ۱۰۹ نفر) از افراد پاسخگو به‌طور قاطع، میزان وام اختصاص یافته را کافی ندانسته‌اند در مقابل تنها ۱۰٫۵ درصد از آنان میزان وام اختصاص یافته را مکفی و زیاد دانسته‌اند. شایان ذکر است که بیش از یک سوم (۷۰ نفر برابر با ۳۵ درصد) از پاسخگویان میزان وام اختصاص یافته را در حد متوسط ارزیابی نموده‌اند.

از دیگر نکات بارز در بازسازی بم که بسیاری از مصاحبه‌شوندگان (مسئولان، مردم و صاحب‌نظران) به آن اشاره نمودند تحلیل سیاست‌های برنامه‌ریزی و طراحی

بازسازی واحدهای مسکونی آسیب‌دیده بود. استفاده از مشاوران طراح و نیز به‌کارگیری و استفاده از مشارکت مردم در فرایند آماده‌سازی و تهیه نمودن نقشه‌های ساختمانی نمود بارز این موضوع بوده است. در این روند دولت با فراخوان کلیه مشاوران طراح و دارای صلاحیت و استقرار آنان در یک مکان متمرکز در بم، بسترسازی لازم را برای نحوه انتخاب و مشارکت مردم در این حوزه را به‌وجود آورد. مردم خواسته‌های خود را جهت تهیه نقشه ساختمانی اظهار کرده و مشاوران نیز بر اساس خواسته‌های مطرح شده، اقدام به تهیه نقشه می‌نمودند. در این میان چنانچه نقشه‌های تهیه شده منطبق با خواست مردم بوده و به تأیید آنان می‌رسید به مشاور هماهنگ کننده جهت تطبیق با الزامات شهرسازی فرستاده می‌شد؛ در غیر این صورت می‌بایست مشاوران تغییرات لازم را انجام می‌دادند تا به تأیید مالک برسد.

ت ۳. وضعیت پاسخگویان به سوال میزان وام اختصاص یافته



از سوی دیگر مشاوران موظف بودند که خواسته‌ها و نظرات مردم را به نحوی با احکام و الزامات صادر شده از سوی شورای عالی معماری و شهرسازی بم منطبق نمایند تا علاوه بر حفظ هویت شهر بم، مشارکت مردم در این فرایند را نیز جلب نمایند. در این میان جهت اجرای مناسب احکام و الزامات معماری و شهرسازی بم، مشاوران تحت عنوان مشاور هماهنگ کننده بر اقدامات

دیگر اهداف این طرح بود. شکل (ت ۵) به طور خلاصه موارد مذکور را بیان می نماید.

با وجود تمامی مزایایی که بر شمرده شد مشکلاتی نیز در خلال مصاحبه های انجام شده با مردم، مسئولان و نیز بازدیدهای میدانی در این زمینه نمایان گردید که شایان ذکر می باشند.

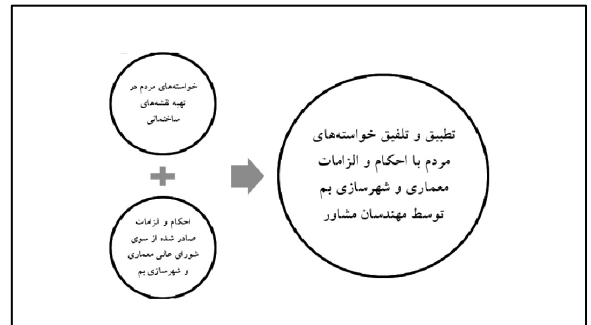
ت ۵. مزایای راه اندازی نمایشگاه مصالح ساختمانی.



مشاوران معمار نظارت عالی می نمود. ارتباط بین مردم با مهندسان مشاور و مشاور هماهنگ کننده در شکل (ت ۴) آمده است. در این مدل مهندسان مشاور وظیفه تطبیق و تلفیق احکام شورای عالی معماری و شهرسازی با خواسته های مردم را بر عهده داشتند.

ت ۴. مدل ارائه شده جهت تطبیق خواست مردم در تهیه نقشه های ساختمانی، با احکام و الزامات معماری و شهرسازی

بم.



به گفته مسئولان ستاد کل بازسازی بم و نیز مسئولان ستادهای معین بازسازی بم، با وجود آنکه جهت رفاه حال مردم به منظور استفاده از خدمات پایگاه فنی و مهندسی و نمایشگاه مصالح ساختمانی وسیله ایاب و ذهاب رایگان در مقابل ستادهای معین بازسازی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی فراهم شده بود و شهروندان بمی می توانستند جهت بازدید برابر برنامه زمان بندی شده از آنان استفاده نمایند ولیکن بازدید از این نمایشگاه آنچنان که باید و شاید، مورد استقبال مردم قرار نگرفت.

به نظر می رسد که اهداف اصلی نمایشگاه مصالح ساختمانی تا حدودی تحت تأثیر متمرکز بودن نمایشگاه مصالح قرار گرفته بود. در این زمینه به جای برگزاری نمایشگاهی در چنین سطح و با حضور شرکتهای متعدد تولید و عرضه کننده مصالح ساختمانی و به صورت متمرکز در یک مکان، بهتر بود در سطوح محلی و در

در اوایل سال ۱۳۸۴ (کمتر از یکسال و نیم پس از سانحه) در محل نمایشگاه خدمات فنی و مهندسی (ستاد کل بازسازی)، مکانی جهت ارائه و عرضه مصالح ساختمانی در نظر گرفته شد. مدیریت بازسازی بر آن بود که با راه اندازی نمایشگاه عرضه مصالح ساختمانی علاوه بر جلب مشارکت مردم، بتواند در راستای توانمندسازی منطقه با استفاده از دعوت از تولیدکنندگان و به تبع آن ایجاد بستری مناسب جهت ایجاد نمایندگی های عرضه مصالح ساختمانی نیز اقدام لازم را انجام دهد. همچنین از دیگر اهدافی که در خلال راه اندازی این نمایشگاه دنبال می شد آشنا شدن بیشتر و نیز ارتقای دانش و آگاهی های عمومی مردم بم با انواع مصالح ساختمانی مورد نیاز در ساخت و سازها بود. به وجود آوردن بازار سالم و نیز جلوگیری از عرضه محصولات و مصالح غیر مرغوب و یا گران با استفاده از ایجاد رقابت بین تولیدکنندگان از

نتیجه

آنچه که باید گفت این است که اگر مشارکت مردم به خوبی تعریف شود و نقش و جایگاه آسیب دیدگان از یکسو و دولت از سوی دیگر مشخص گردد قطعاً درصد موفقیت برنامه‌های بازسازی افزایش خواهد یافت. در بازسازی بم دولت و آسیب دیدگان به صورت تعاملی، نقش آفرینی نموده‌اند. اگرچه این نقش آفرینی در اجرا دارای نقاط ضعف بوده است، لکن تفکر و نگاه مشارکتی در سطوح کلان و سیاستگذاری سبب شده است به سطوح جزوی تر نیز تعمیم یابد. حق انتخاب توسط مردم، در مراحل مختلف بازسازی واحدهای مسکونی، مهم ترین موضوعی است که توسط مردم و دولتمردان در بازسازی بم پذیرفته شده است. به عنوان نمونه در شهر بم شاید کمتر خانه‌ای را بتوان یافت که نقشه‌های تهیه شده آن با خواست و انتخاب مردم نبوده است. این در حالی است که انتخاب مردم در بازسازی بم در چارچوب قوانین و احکام و الزامات مشخص بوده است و خارج از این چارچوب می توانست مشکلات بیشتری را به وجود آورد.

آنچه از یافته‌های تحقیق برمی آید این است که در میان مصادیق مشارکت، مشارکت مردمی در آواربرداری بیشترین میزان را داشته است و احتمالاً به این دلیل است که دولت جهت تشویق مردم به مشارکت در آواربرداری و بازیافت مصالح، تصمیم گرفت مبلغ ۵۰۰ هزار ریال به هر خانوار برای آواربرداری واحد خویش از محل کمک بلاعوض پرداخت نماید.

در خصوص میزان وام پرداختی نیز این تحقیق نشان می‌دهد که بیش از نیمی (۵۴,۴ درصد برابر با ۱۰۹ نفر) از افراد پاسخگو به طور قاطع، میزان وام اختصاص یافته را کافی ندانسته‌اند، در مقابل تنها ۱۰,۵ درصد از آنان میزان وام اختصاص یافته را مکفی و زیاد دانسته‌اند. در

چندین نقطه نمایشگاه‌های کوچکتری برگزار می‌گردید و یا در کنار برپایی چنین نمایشگاهی، نسبت به راه‌اندازی مجدد فعالیت عاملین محلی توزیع مصالح ساختمانی شهر بم و روستاهای اطراف، به وسیله نوسازی اینگونه اماکن تجاری اقدامات بیشتری صورت می‌گرفت. چرا که معمولاً صاحب نظران معتقدند که بازسازی اقتصادی بهتر است پیش از بازسازی خانه‌ها صورت بگیرد. این مهم علاوه بر اشتغالزایی مناسب می‌توانست به مشارکت هر چه بیشتر مردم به عنوان جزوی از جامعه آسیب دیده بم کمک بیشتری نماید و در نهایت بنابر داده‌های جمع آوری شده از نظرات مردم، بیش از یک سوم (۳۶,۵ درصد) پاسخگویان اظهار نموده‌اند که در مراحل اجرای کار مشارکت فعالی داشته‌اند و تنها ۱۹ درصد (۳۸ نفر) از آنان در این زمینه مشارکت کمی داشته‌اند.

مشارکت در بازسازی بم برای اولین بار در کشور به شیوه و الگویی کاملاً متفاوت شکل گرفت. در این بازسازی مشارکت مردم در چند محور کاملاً برجسته و برنامه‌ریزی شده جلوه گر شد؛ مشارکت در آوار برداری، ارائه وام برای ساخت مسکن و مشارکت مردم در بازسازی، ارائه مصالح ساختمانی با مشارکت واحدهای تولیدی و اقتصادی همچنین مشارکت در طراحی واحدهای مسکونی بر اساس خواسته‌ها و نیازهای مردم. تمامی این فعالیتهای اگرچه بستر مشارکت بسیار فعال تری نسبت به سایر بازسازیهای قبلی فراهم ساخت اما هنوز مشارکت به معنای واقعی تجلی نیافته است. دستیابی به این آرمان نیازمند ظرفیت سازی و توانمندسازی تمامی اعضای دست اندرکار بازسازی است اما برنامه‌ریزی و بستر سازی مشارکت مردم در همین حد نیز شایان تقدیر و قابل توجه است. این تجربه می‌تواند بستر مناسبی را برای مشارکت بیشتر مردم در بازسازیهای آتی فراهم سازد.

- ظفری، حسین؛ ویسی، رضا. (۱۳۹۰)، واکاوی عوامل مؤثر بر جلب مشارکت مردمی به منظور کاهش ریسک سوانح طبیعی: استان تهران - شهرستان اسلامشهر. فصلنامه علمی پژوهشی مسکن و محیط روستا: شماره ۱۳۵.
- مطوف، شریف. (۱۳۷۹)، طرح تدوین و مستندسازی تجربه‌های بازسازی مناطق جنگزده روستایی ایران: درس‌هایی از تجربه‌های جهانی و آموزه‌هایی برای ایران. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی ایران.
- ویسی، رضا و همکاران. (۱۳۸۵)، درس‌هایی از مشارکت مردم در بازسازی واحدهای مسکونی و تجاری مناطق زلزله‌زده استان لرستان. مجموعه مقالات دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت جامع بحران در حوادث غیرمترقبه. تهران.

- American Planning Association (APA). (2006), *Planning and Urban Design Standards*. Johan wiely.
- Aysan, Y. Davis, I. (1993), *Rehabilitation and Reconstruction: Disaster Management Training Program*. UNDP. Geneva.
- Bamberger, M. (1988), *The Role of Community Participation in Development, Planning and Project Management*. EDI. World Bank.
- Bass, S. (1995), *Participation in Strategies for Sustainable Development, International Institute for Environment & Development*.
- Beebeejaun, Y. (2006), *The Participation Trap: The limitation of Participation for Ethnic and Racial Groups*. International Planning Studies, Vol. 11, pp. 3-18.
- Chambers, R. (1994), *Participatory Rural approach Challenge: Potentials and Paradigm*. World Development. Vol. 22, No 10, pp. 1437-1454
- Christians, B. et al. (2006), *Power and Paradox In Participatory Development*. Qualitative Social Research, Vol. 7, No. 2.
- Fallahi, A. (2007), *Lessons learned from the housing reconstruction following the Bam Earthquake in Iran*. The Australian Journal of Emergency Management, Vol. 22 No. 1, February.
- Meekes, H. Vos, W. (1999), *Trends in European Cultural Landscape Development: Perspectives for a Sustainable Future*, Landscape and Urban Planning 46, pp. 3-14.
- Omidvar, B. Zafari, H. Derakhshan, S. (2009), *Reconstruction management policies in residential and commercial sectors after the 2003 bam earthquake in Iran*. Nat Hazards, DOI 10.1007/s11069-009-9468-y. springer.
- Omidvar, B. Zafari, H. Khakpour, M. (2011), *Evaluation of Public Participation in Reconstruction of Bam after the 2003 Earthquake*. Natural hazard

زمینه مشارکت مردم در انتخاب مصالح ساختمانی؛ علاوه بر آنکه دولت بسترهای لازم همچون راه‌اندازی نمایشگاه مصالح ساختمانی را در دستور کار خود داشت اما بازدیدهای مردم آنچنان که باید و شاید صورت نگرفت. در نهایت باید گفت الگوی مشارکت در بازسازی بم در نوع خود خاص و ویژه بود که در محورهای خاصی فرصت مشارکت را فراهم می‌ساخت اما این الگو با الگوی مطلوب مشارکت فاصله دارد. الگوی مشارکت دارای نقاط قوت و ضعف فراوانی در زمینه مشارکت مردمی است که می‌توان از نقاط قوت آن در بازسازی‌های آتی استفاده نمود و نقاط ضعف آن را به حداقل رساند.

منابع

- آيسان، یاسمین؛ دیویس، یان. (۱۳۸۲)، معماری و برنامه‌ریزی بازسازی. ترجمه علیرضا فلاحي. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. تهران.
- برنامه بازسازی مسکن مناطق آسیب دیده از زلزله بم. (۱۳۸۲)، معاونت بازسازی و مسکن روستایی. دفتر بازسازی.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. (۱۳۸۶)، گزارشات هفتگی پیشرفت فیزیکی بازسازی مناطق زلزله‌زده بم.
- زلزله بم و برنامه بازسازی مناطق آسیب‌دیده. (۱۳۸۳)، گزارش دبیرخانه ستاد راهبری و سیاست‌گذاری بم.
- طالب، مهدی. (۱۳۷۳)، مشارکت روستائیان در بازسازی مناطق زلزله‌زده گیلان و زنجان. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی ایران.
- ظفری، حسین. (۱۳۸۶)، بررسی مدیریت بازسازی فیزیکی با نگرشی ویژه بر مشارکت مردم: مطالعه موردی بم. دانشگاه تهران. رساله کارشناسی ارشد.
- ظفری، حسین؛ ویسی، رضا. (۱۳۸۷)، سنجش میزان رضایتمندی خانوار مناطق زلزله‌زده استان لرستان از فرایند بازسازی: مطالعه موردی مناطق زلزله‌زده استان لرستان. چهارمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت جامع بحران و پدافند غیرعامل در پایداری ملی.

journal. Nat Hazards, DOI 10.1007/s11069-011-9842-4, springer

- Sanoff, H. (2007), *Special Issue on Participatory Design*. Design Studies. Vol. 28. Issue 3, pp. 213-215.

- Santos, R. et.al. (2006), *Stakeholder Participation in the Design of Environmental Policy Mixes*. Ecological Economics, 60, pp. 100-110.

- Scharma, C. K. (2000), *Popular Participation For Good Governance and Development at local level: the case of Botswana*. Regional Development Dialogue. Spring Vol. 21, No1, pp.177-191.

- Stenseke, M. (2009), *Local Participation in Cultural Landscape Maintenance: Lessons from Sweden*. Land Use Policy. No 26, pp. 214–223.

- Story, D. (1999), *Issue of Integrated Participation and Empowerment the Case of Republic Ireland*. Journal of Rural Studies. Vol. 15. No3, pp. 307-315.

- *Participatory Rural Development in Selected Countries, Emergency Committee on Integrated Rural Development for Asia & Pacific*. United Nation. (1990).